

مولوی نیز مانند دیگر عارفان ضمن اعتقاد به معانی ظاهری و باطنی آیات قرآن، خود نیز به تأویل آیات الهی و احادیث نبوی توجه دارد؛ بدین صورت که علاوه بر دریافتهای عرفانی که از آیات قرآنی دارد، گاهی در عنوانهای ابیات کلمه «تأویل» را ذکر می‌کند و سپس در ابیات بعدی به تفسیر و تأویل آن آیه می‌پردازد و گاهی نیز با صراحت آیه یا حدیثی را تأویل می‌کند. البته او در مواردی هم بشدت با تأویلی که از روی هوا و هوس باشد مخالفت می‌کند.

نکته‌گفتنی این است که مولوی تأویلی را درست و حقیقی می‌داند که باعث امید و حرکت و تلاش گردد و اگر تأویلی باعث سستی و کاهلی در فرد شود، آن را «تبدیل» می‌داند نه «تأویل». او هرچند با تأویل «برهوا» و تفسیر به رأی مخالف است، خود قائل به تأویل است و در مثنوی در پناه تأویل و معرفت ذوقی، دریافتهای دلپذیر و ویژه‌ای از آیات قرآنی ارائه داده است.

تأویلات مولوی در مثنوی از مقوله تأویلات صوفیه است که سعی می‌کند ظاهر را به باطنی که می‌تواند آن را تحمل کند بازگرداند و نفوذ در باطن آیه را مجوز عدول از ظاهر آن نمی‌داند و در عین توجه به باطن و حقیقت، توقف در ظاهر را هم نفی نمی‌کند.

عنوان مقاله : نگاهی به تاج‌المصادر

نویسنده : سید علی ملکوتی

مآخذ : مجله آینه پژوهش، س دهم، ش سوم (مرداد و شهریور

۱۳۷۸)، ص ۴۸ تا ۵۱

ایرانیان به جهت بررسی و غور در علوم قرآنی - عربی، سهم بسیار مهم و چشمگیری در بنیاد فرهنگ و تمدن اسلامی دارند. اوج رویکرد فارسی‌زبانان مسلمان به زبان قرآن یعنی زبان عربی، قرن پنجم بویژه قرن ششم و هفتم است. یکی از بزرگترین لغویان قرن ششم هجری، ابو جعفر احمد بن علی بن بیهقی معروف به «بو جعفرک بیهقی» است که استادی برجسته در زمینه لغت، نحو، قرائت

و تفسیر، و شهرت او در زمینه لغت، و معروفترین اثر او فرهنگ دو زبانی «تاج‌المصادر» است. چاپ جدید این اثر به همت و تلاش دکتر هادی عالم‌زاده، بعد از سالها پژوهش، عملی شد. مصحح علاوه بر تصحیح متن، جا به جا با اظهار نظرهای آگاهانه و شرح و توضیح بعضی لغات تازه یاب و نادر در زبان فارسی و مقدمه فاضلانه بر جلد نخست، بر ارزش «تاج‌المصادر» افزوده است. نویسنده مقاله در ادامه ضمن تأیید مطالب پژوهنده کتاب، یادداشتها و توضیحاتی در مورد مطالب و لغات جلد دوم این کتاب آورده است.

عنوان مقاله : نقد کتاب "تحلیل ساختاری منطق الطیر"

نویسنده : احمد ابو محبوب

مآخذ : ماهنامه ادبیات و فلسفه، س دوم، ش چهارم، (بهمن ۱۳۷۷).

ص ۳۴ تا ۳۶

کتاب تحلیل ساختاری منطق الطیر (اخلاقی، اکبر، نشر فردا، چاپ اول، ۱۳۷۷، ۲۲۴ ص) از جمله آثار نقد ادبی به شیوه علمی است که بر مبنای نظریه ساختارگرایی فراهم آمده است. این کتاب در دو فصل تدوین شده است که فصل اول به نام «مباحث نظری» به بررسی تاریخی و فنی ساختارگرایی پرداخته است. در همین فصل علاوه بر تحلیل و بررسی مکتب ساختارگرایی از شکل‌گرایی، نقد نو، اصول ساختارگرایی، ساختارگرایی ادبی و روایت‌شناسی ساختارگرا نیز به اجمال سخن رفته است. در این کتاب نظریات طرفداران روایت‌شناسی به صورت چکیده مطرح شده که خود اثر بر مبنای پژوهشهای این افراد از جمله تودوروف و کلودبرمون صورت گرفته است. این فصل یکی از موجزترین و روشنگرترین نوشته‌ها درباره‌ی شناساندن ساختارگرایی به فارسی‌زبانان است.

فصل دوم این کتاب پس از درآمد به ساختار متن پرداخته و در آن روابط بین جمله در مباحث مختلف بررسی شده است. بخش بعدی این فصل «ساختار نظم» است که عامل اصلی تمایز سخن ادبی از غیر ادبی است. آخرین بخش این فصل و

کتاب، ساختار روایت است که بحث اصلی کتاب را تشکیل می‌دهد. در اوایل این بخش نظریه ابتکاری عبدالقادر جرجانی مبنی بر تعبیرات مختلف از معنا بیان می‌شود و مؤلف بنا بر دیدگاه خود نسبت به منطق الطیر عطار، معنای مورد نظر را بر می‌گزیند و در پی آن منطق الطیر را از نظر می‌گذراند و نمونه‌هایی نیز از ابیات منطق الطیر را در تأیید نقد خود ارائه می‌دهد که میزان دقت و درک وی را می‌رساند و در پایان با تحلیلی دربارهٔ راوی منطق الطیر به پایان می‌رسد.

عنوان مقاله : معرفی کتاب ادبیات ایران پیش از اسلام

نویسنده : علی اشرف صادقی

مآخذ : ماهنامه ادبیات و فلسفه، س دوم، ش چهارم، (بهمن ۱۳۷۷)،

ص ۱۲ و ۱۳

تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام (تفضلی، احمد، تهران، سخن، ۱۳۷۶، ۴۵۲ص) اثری است جامع، شامل فهرست توصیفی مجموعه نوشته‌هایی که در دوره‌های قبل از اسلام به یکی از زبانهای ایرانی نوشته شده است. در عنوان این کتاب «ادبیات» برابر با نوشته به معنای عام است، نه در معنای نوشته‌های هنری از قبیل شعر و رمان و...

بدنه اصلی کتاب مربوط به نوشته‌های پهلوی است و بخشهای دیگر در مقایسه با آن، مختصر و در حد فهرست توصیفی است. در بخش پهلوی علاوه بر اینکه دربارهٔ کتابها و نوشته‌های موجود فارسی میانه سخن به میان آمده از نوشته‌ها و کتابهایی که به عربی و فارسی ترجمه شده و اصل آنها از میان رفته نیز سخن رفته است.

این کتاب مقدمه بسیار کوتاهی در خصوص دوره‌های زبانهای ایرانی دارد و پس از آن سه فصل جداگانه دربارهٔ ادبیات مادی، ادبیات فارسی باستان و ادبیات اوستایی آمده است که همه به دوره باستانی تاریخ ایران تعلق دارد. بخش بعد مربوط به ادبیات دوره اشکانی است و «کتیبه‌های دوره ساسانی» عنوان بخش

دیگر این کتاب است. مهمترین بخش کتاب که ادبیات پهلوی است ۲۱۸ ص را به خود اختصاص داده و در واقع زمینه اصلی تخصص مؤلف است. در فصول بعد از چیستان، مناظره، مفاخره، اندرزنامه‌ها، رسالات کوچک تعلیمی، داستانهای منثور، شعر پهلوی، کتابهای علمی، ادبیات مانوی و ادبیات زبانهای ایرانی میانه شرقی به اجمال سخن رفته است. در پایان، کتابنامه کتاب در دو بخش منابع فارسی و عربی و منابع اروپایی آمده و به دنبال آن فهرست اعلام به چاپ رسیده است. این کتاب یکی از معدود کتابهایی است که به شیوه علمی و به شکل سنجیده به فارسی نوشته شده است.

عنوان مقاله : مکاشفات رضوی، کشفی ارزشمند

نویسنده : رضا بابایی

مآخذ : آینه پژوهش، س دهم، ش سوم (مرداد - شهریور ۱۳۷۸)، ص

۳۷ تا ۴۰

توجه صاحبان معرفت و اندیشه به مثنوی معنوی را از شمارگان شرحهایی که تاکنون بر آن نوشته‌اند می‌توان دریافت. یکی از این شروح «مکاشفات رضوی» است که در قرن یازدهم و به قلم شارح فاضل محمدرضا لاهوری است. وجه نامیدن این شرح به مکاشفات رضوی، تیمن و تبرکت به حضرت رضا- علیه السلام - بوده است.

لاهوری در این شرح به اصولی پایبندی نشان می‌دهد که در حال حاضر جزو مهمترین قواعد شرح و توضیح است؛ از جمله اینکه در ابتدای هر داستان، نخست روح و قلب آن را بازگو می‌کند. در بیشتر جاها، اشارات قرآنی، روایی و تاریخی را نکته بینانه ظاهر می‌کند.

مصحح مکاشفات رضوی در مقدمه کتاب، نکاتی را یادآور شده از جمله اینکه گویا محمدرضا لاهوری، ارادت چندانی به محی‌الدین عربی و قاطبه فلاسفه نداشته است و جز یک مورد سخنی از او به میان نمی‌آورد. دیگر اینکه آنچه این

شرح را از بیشتر شرح‌های پیش از خود ممتاز می‌کند، پرهیز شارح از تأویلهای سرد و بی ضرورت است. لاهوری به سادگی هر بیت را معنی، و از تأویل پرهیز می‌کند و کمتر مواردی را می‌توان یافت که شارح نازک خیالیها و باریک‌اندیشی‌های افراطی را به شرح ابیات راه دهد. شرح لاهوری را می‌توان تصحیح دیگری از مثنوی نیز دانست. از برخی نوشته‌های لاهوری چنین برمی‌آید که وی چندین نسخه از مثنوی در اختیار داشته و گویا در هر بیت بهترین ضبط را اختیار می‌کرده است. این یکی دیگر از خصوصیات امروزی‌نی مکاشفات رضوی است.

عنوان مقاله : نیم‌نگاهی به تصحیحی از دیوان مولانا

نویسنده : سید علی ملکوتی

مآخذ : آینه پژوهش، س دهم، ش سوم (شهریور ۱۳۷۸)، ص ۴۱ تا

۴۳

مولانا جلال‌الدین محمد بلخی مرد اوّل عرفان ذوقی و عملی ایران است که تعلیماتش چه در مثنوی و چه در غزل، مبتنی بر عرفان محض و سره، تهی از هر نوع پیرایه و آرایه‌ای و به دور از سنت معمول چله‌نشینی، ریاضت‌کشی و ترک دنیا است. غزلهای عرفانی مولانا نمود صمیمی‌ترین ارتباط با ذات حق و شناخت راه درست و میانبر برای وصول به کمال است.

از میان محققان ایرانی، مولوی شناس برجسته ایران، مرحوم استاد فروزانفر با مطالعه عمیق، سالیان عمر خود را صرف بررسی در آثار مولانا کرد و برای شناخت تصوّف علمی مولانا با مطالعه آثار عارفان بزرگ ایرانی و غیر آن، دری به باغ باصفای «تصوّف» مولانا گشود.

نتیجه این تحقیقات علاوه بر آثار دیگر، کلیات شمس یا دیوان کبیر است (۱۳۳۶ - ۱۳۴۶) که با توجه به نایابی این اثر، تجدید چاپ شد که البته این نسخه مصون از اشتباه و غلط نیست.

نویسنده این مقاله، برای ارزیابی این نسخه، تعدادی از غزلهای این نسخه را با

یکی دو کتاب معتبر و مستند برگرفته از دیوان کبیر چاپ دانشگاه تهران مقایسه، و موارد اختلاف، تسامح و عدم دقت چاپ را مشخص، و ذکر کرده است.

عنوان مقاله : افزوده‌های فرهنگ آندراج

نویسنده : محسن ذاکرالحسینی

مآخذ : نامه فرهنگستان، س سوم، ش چهارم (زمستان ۱۳۷۶)، ص ۵۳

تا ۶۳

یکی از فارسی‌دوستان هند در قرن نوزدهم میلادی، منشی محمد پادشاه بوده که چون بر زبان انگلیسی احاطه داشته، فرهنگهای معتبر انگلیسی را سرمشق خویش قرار داده و با تألیف مجموعه مترادفات و فرهنگ آندراج در عرصه فرهنگ‌نویسی به زبان فارسی خدمتی درخور توجه کرده است؛ زیرا هر یک از این دو فرهنگ ویژگیهایی دارد که پیش از آن در فرهنگهای فارسی سابقه نداشته است. فرهنگ آندراج نخستین بار در حیات مؤلف در سه مجلد در هند به طبع رسیده است و نسخه‌ای از آن در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود که در آغاز نخستین مجلد آن چند برگ هست که در بیشتر نسخه‌های دیگر موجود نیست. این اوراق به دلایلی که در مقاله آمده است پس از پایان چاپ مجلد اول در آغاز آن گنجانیده شده است. این افزوده‌های انگلیسی اطلاعات ارزنده‌ای از زندگی مؤلف و چگونگی پیدایش فرهنگ آندراج به دست می‌دهد. مقاله در واقع ترجمه این افزوده‌هاست که زوایایی از زندگی نویسنده این فرهنگ را آشکار می‌سازد.

عنوان مقاله : ملاحظاتی در باب آخرین چاپ لغتنامه
نویسنده : افضل وثوقی
مأخذ : ماهنامه جهان کتاب، س چهارم، ش ۱۱ و ۱۲ (مردادماه ۱۳۷۸)،
ص ۱۶

چاپ دوم از دوره جدید لغتنامه (سال ۱۳۳۷) بر خلاف انتظار، عاری از نارساییها و اغلاط فاحش نیست.
در زمینه جغرافیای ممالک جهان، اگر اطلاعات داده شده به روز نباشد و منبع آمارهای ارائه شده و سال دریافت آنها مشخص نباشد، قابل استفاده نیست.
نقشه‌های جغرافیایی و تصاویر گلها، گیاهان، حیوانات و ... از الزامات قطعی هر فرهنگ است. یکی از امتیازات بزرگ دایرةالمعارفهای خارجی و فرهنگهای فارسی در دسترس، داشتن حداقل لازم تصاویر است.
معادل لاتین بعضی کلمات برای عموم استفاده کنندگان در این فرهنگ ضرورت ندارد و علاوه بر آن اشتباهات زیادی در آنها به کار رفته است.
لغتنامه دهخدا، چه در شکل اولیه خود (پنجاه جلدی) و چه در جلد جدیدش، به دلیل حجم زیادی که دارد، منحصرأً برای کتابخانه‌ها و مراکز پژوهشی قابل استفاده است و اگر به روش فرهنگ‌نویسان غربی در قطعهای جیبی و منحصرأً برای اسمهای عام و با مثالهای محدود فراهم می‌شد، فایده آن عامتر بود.

عنوان مقاله : معرفی کتاب دولت دیدار (مجموعه اشعار و نوشته‌های سزوچهر قدسی)
نویسنده : علی اصغر محمدخانی
مأخذ : ماهنامه ادبیات و فلسفه، س دوم، ش چهارم، (بهمن ۱۳۷۷)، ص ۳۱

دولت دیدار با مقدمه دکتر مهدی نوریان، به کوشش بهزاد قدسی، انتشارات آتریات کتاب، اصفهان، ۱۳۷۷.

این کتاب مجموعه اشعار و نوشته‌های منوچهر قدسی، یکی از شاگردان و ارادتمندان صدیق استاد جلال الدین همایی است که در چند بخش سامان یافته است. بعد از مقدمه دکتر نوریان دربارهٔ ویژگی‌های علمی و اخلاقی قدسی، سالشمار عمر قدسی تنظیم شده است. گفتگوی میر علایی با منوچهر قدسی درباره زندگی و خاطرات وی از بزرگانی که با آنها مراوده داشته است بخش بعدی کتاب را تشکیل می‌دهد. اشعار منوچهر قدسی شامل غزلیات، قصاید، مثنویات، قطعات و ترکیب بندهاست که حدود ۶۷ صفحه از کتاب را به خود اختصاص داده است.

در بخش مقالات، خاطرات خود را از بزرگان اصفهان مطرح کرده و این خود مدخل مهمی است که از میان نوشته‌های قدسی، علاوه بر شناخت شخصیت وی بر مجموعه آثارش، می‌توان به شناخت بسیاری از بزرگان فرهنگ و ادب و هنر اصفهان نیز نائل آمد.

عنوان مقاله : نقد کتاب وسوسه عاشقی (بررسی تحول عشق در ادب فارسی)

نویسنده : مجتبی بشر دوست

مآخذ : ماهنامه ادبیات و فلسفه، س دوم، ش چهارم، (بهمن ۱۳۷۷).

ص ۲۸ تا ۳۰

کتاب وسوسه عاشقی نوشته محمد دهقانی، عشق را به مثابه نظامی فلسفی مطرح می‌کند که وظیفه هر انسان را در برابر خود و جامعه معین می‌کند و برای توضیح مطلب به بیان سیر تحول عشق در دوره‌های مختلف می‌پردازد. ابتدا جلوه‌های گوناگون این پدیده پیچیده انسانی را نزد اعراب بررسی می‌کند. در بخش دوم به سیر تحول عشق در ادب پارسی می‌پردازد. بخش سوم خرد و سیر تحول آن را مطرح می‌کند و آرا و آثار دکتر زرین کوب را برای توجیه این نکته که ایران مهد خرد و خردورزی است به کار می‌گیرد.

این کتاب به کارکردهای مختلف عشق و تمایل بر نهاد خرد با آن می‌پردازد و در صدد است که عشق و عقل را دوروی یک سکه جلوه دهد. در بخش چهارم، خرد

به عنوان یکی از اضلاع عشق مطرح می‌شود و با دو نماد «آتش» و «شراب» مورد بحث قرار می‌گیرد. در بخش پنجم نفرت و تقار فرد نسبت به زن مطرح می‌شود و برای تبیین فرهنگ مردسالاری از اساطیر ملل مختلف سخن به میان می‌آید. در بخش ششم چهره مردانه زن تبیین می‌شود و عباراتی از شاهنامه، خسرو و شیرین، فیه ما فیه، تذکرة الاولیای عطار، قابوسنامه و کلیات سعدی به عنوان تأیید سخن آورده می‌شود. در این بخش نظرگاه بزرگان علم و ادب نسبت به زن و حقوق و تکالیف وی مطرح می‌شود. بخش آخر کتاب به عرفان یونانی و هندی، مسیحی، یهودی و اسلام نگاهی اجمالی دارد و در پایان به آرای حلاج، احمد غزالی و عین القضات می‌پردازد. گرچه کتاب در هر یک از بخشهای خود نقائص مختلفی دارد که نگارنده نقد، آنها را ضمن مقاله خود بیان کرده و از جمله اینکه نویسنده کتاب کاملاً گزینشی عمل کرده از میان چهره‌های شاخص تصوف، چند نمونه را به عنوان فحول تصوف در نظر گرفته و آرای ابن عربی و ابو حامد غزالی و مولانا و ده‌ها چهره شاخص اصلاً مطرح نمی‌شود با این همه می‌توان ویژگیهای ممتاز کتاب و سوسه عاشقی را بدین شرح بیان کرد: اول اینکه نویسنده بسیار روشمند و منظم فرضیه خویش را طرح و تبیین می‌کند و برای اثبات آن از منابع فارسی، عربی و انگلیسی بهره می‌گیرد. دوم اینکه سبک نوشتاری کتاب بسیار دلرباست.

عنوان مقاله : قنفس پیر (نقد کتاب خاکستر هستی)

نویسنده : فاطمه سرهان فکر

مآخذ : ماهنامه جهان کتاب، س چهارم، ش ۱۱ و ۱۲ (مرداد ماه

۱۳۷۸)، ص ۸ تا ۹

کتاب «خاکستر هستی» بنا به گفته نویسنده، کوششی است برای آشنا کردن نسل جوان ایران و آشتی دادنش با ادب گرانمایه کلاسیک ایران.

کتاب در سه بخش تنظیم شده است و در هر بخش برگزیده‌ای از اثری و یا شرحی درباره اثری و آفریننده آن را دربردارد. در زمینه نظم از مولانا، عطار، نظامی،

فخرالدین اسعد گرگانی، مسعود سعد، سعدی، امیر خسرو، جامی، وحشی و بهار به همراه آثار برگزیده آنها و در زمینه نثر نیز برگزیده‌هایی زیبا آورده شده است که آگاهی‌های تازه‌ای به خواننده می‌دهد.

در زمینه تاریخ و فرهنگ، نمونه‌هایی زیبا با نکته‌سنجی و دقت نظر آورده شده که بر آگاهی‌های خواننده می‌افزاید. کتاب، تاریخ ادب و آثار ادبی فارسی است که بطور کلی به آثار و ارزشهای سبکی آنها می‌پردازد و برداشتی کلی به خواننده می‌دهد. مؤلف در این کتاب نگرشی در تاریخ ابن خلدون و مقدمه معروفش و ترجمه برگزیده محمد پروین گنابادی از این مقدمه دارد.

روانی عبارت، انشای سهل و آسان، برگزیدن بخشهای روشن و قابل فهم از آثار ادبی و آوردن معنی واژه‌ها و عبارات مشکل از دیگر ویژگیهای این کتاب است. کتاب با گفتاری درباره امیر مردان لغت فارسی، علی اکبر دهخدا و دکتر محمد معین، و تلاشهای پیگیر و بی‌پایانشان نسبت به ادب و فرهنگ ایران زمین پایان می‌پذیرد.

عنوان مقاله : اشاراتی به «فرهنگ اشارات»*

نویسنده : مهران افشاری

مآخذ : جهان کتاب، س چهارم، ش نهم و دهم (تیرماه ۷۸)، ص ۱۱.

کتابهای فرهنگ لغات جزء کتابهای مرجع به شمارند. از این رو توقع ما این است که در تألیف آنها از مآخذ و مراجع اصلی و به اصطلاح دست اول استفاده شود، اما مؤلف «فرهنگ اشارات» چنین نکرده است. عمده مآخذ ایشان شرحها و تعلیقات استادان پیشین بر آثار ادبی است که عیناً آنها را در کتاب خود تکرار کرده است. اما برای چنین کتاب مرجعی حق این بود که ایشان به مآخذ اصلی این شرحها دست

* فرهنگ اشارات ادبیات فارسی، دکتر سیروس شمیسا، تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۷۷.

می‌یافت و استناد می‌کرد.

کار شگفت دیگر مؤلف، استناد به چاپهای گوناگون بعضی آثار ادبی است که یکی از چاپهای آن آثار، نزد همگان، برتر و معتبرتر از چاپهای دیگر است و همان مطالب را که به چاپهای کم اعتبارتر آن اثر استناد کرده است در آن چاپ برتر و معتبرتر نیز می‌توان یافت.

ایراد دیگر اینکه معلوم نیست مؤلف با کدام معیار و بر چه اساسی مدخلهای فرهنگ خود را برگزیده است. برخی از واژگان که در ادب فارسی کاربرد شایان توجه دارد در این فرهنگ مدخل قرار نگرفته است؛ از آن جمله «آبی» به معنی «به»، «انگِشت» به معنی زغال، «پیر مغان»، «لولی» و ...، اما واژگانی مانند «چراغ کشانی» که چندان کاربردی در ادب فارسی ندارد، مدخل قرار گرفته است. همچنین معلوم نیست بر چه اساسی شواهد را در ذیل برخی از مدخلها بیشتر و برای برخی دیگر کمتر ذکر کرده است. برای برخی از مدخلها نیز توضیحات، ناکافی و شواهد ناقص است.

ایراد مهم دیگر «فرهنگ اشارات» این است که مؤلف، مفهوم برخی از لغات را در متون ادبی فارسی بدرستی نشناخته و به این علت دچار خطا شده و مطالبی نادرست را بیان کرده است؛ مثلاً توجه نکرده است که «بَنگ» و «بیهوشانه» در واقع یکی است^۱ و آنها را دو مدخل جداگانه ذکر کرده است. همچنین توجه نکرده است که پری در ادب فارسی چند مفهوم دارد و از جمله گاه در معنی فرشته به کار رفته است^۲ و درست این بود که در ذیل پری آن را به فرشته نیز ارجاع می‌داد.

خطای دیگر اینکه قلندری را مدخل نکرده و قلندر را به صوفی ارجاع داده است در صورتی که می‌بایست مدخلی مستقل می‌بود. در این فرهنگ هیچ شاهی از آن همه اشعار قلندرانه فارسی (قلندریات) ذکر نشده است جز بییتی از حافظ که قلندری در آن به معنی روش طایفه‌ای از اهل طریق که موی سر و صورت خود را می‌تراشیده‌اند به کار رفته است.

۱ - محمد جعفر محبوب، «آیین عیاری»، سخن، دوره ۱۹، شماره ۱، ص ۱۰۷۳ - ۱۰۵۹.

۲ - علی اکبر دهخدا (و همکاران)، لغتنامه، ذیل پری.

عنوان مقاله : جلوه‌هایی از «تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی»^{*}
نویسنده : علی فاضل
مآخذ : آینه پژوهش، س دهم، ش سوم (مرداد - شهریور ۱۳۷۸)، ص
۵۲ تا ۵۸

نویسنده کتاب در ابتدا زیر عنوان درآمد، هدف نهایی خود را از تألیف در سه بخش جداگانه منظور کرده است. در بخش نخست از زمینه‌های اثرپذیری شعر فارسی از قرآن و حدیث، و پیشینه و تحول و تکامل آن سخن به میان آورده است. در بخش دوم شیوه‌ها و گونه‌های اثرپذیری از قرآن و حدیث را به شیوه‌ای نو و گسترده مورد سنجش قرار داده و در بخش سوم نمونه‌هایی از بهره‌گیریها و تأثیرپذیریهای پاره‌ای از پارسی‌سرایان را از آغاز تا پایان سده هشتم آورده است. مؤلف، دوره‌های شعر فارسی را مرحله به مرحله، مورد مطالعه و بررسی قرار داده و آثار سخنوران را با توجه به بهره‌گیری آنان از اقوال و روایات بزرگان و امامان در آثارشان با ارائه شواهد و نمونه‌های متعدد بازنموده است و شرح و توضیح نکات و اصطلاحات مربوط به زبان فارسی و مختصات دستوری در حوزه عناصر قاموسی، صرفی و نحوی، بدیعی و عروض، واجی و واژگانی از دید نویسنده دور نمانده است.

در این مجموعه تأثیرپذیری شاعران ایرانی از قرآن و حدیث در یازده گونه از سوی مؤلف درجه‌بندی شده که در تعریف هر یک توضیحی مختصر ارائه شده است: ۱- اثرپذیری واژگانی: در اینجا واژه در مفهومی گسترده، ترکیبها و عبارات کنایی جمله‌واره را نیز فرامی‌گیرد. ۲- اثرپذیری گزاره‌ای: گزاره در اینجا به معنی عبارت و جمله، خواه جمله کامل و خواه جمله ناقص به کار می‌رود. ۳- اثرپذیری گزارشی: گوینده مضمون آیه یا حدیثی را به دو شیوه ترجمه یا تفسیر به فارسی

* این مقاله نقد کتاب «تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی» تألیف سید محمد راستگو از انتشارات سمت است.

گزارش می‌کند. ۴- اثرپذیری الهامی - بنیادی: گاه گوینده پایه سخن خویش را از آیه یا حدیثی الهام می‌گیرد و سروده خویش را بر نکته الهام گرفته بنیاد می‌نهد و سخنی خلق می‌کند که با آن آیه یا حدیث در پیوند (گاه پیوندی دور و گاه نزدیک) است.

۵- اثرپذیری تلمیحی: گوینده علاوه بر شیوه اثرپذیری الهامی - بنیادی، سخن خویش را با نشانه و اشاره‌ای همراه می‌سازد که این نشانه و اشاره بیشتر یادکرد پاره‌ای از واژه‌های ویژه آیه یا حدیث است. ۶- اثرپذیری تأویلی: گوینده در این روش، تأویل آیه یا حدیثی را دستمایه سروده خویش ساخته است و از آیه یا حدیث معنایی نغز و نوبه دست می‌دهد و این اثرپذیری همواره آشکار است.

۷- اثرپذیری تطبیقی: در این شیوه گوینده آیه یا حدیثی را بر موردی ویژه که به ظاهر چندان با هم پیوندی ندارند، تطبیق می‌دهد بی آنکه معنی ظاهری و اصلی آن را رد یا توجیه کند بلکه گونه‌ای چاره‌جویی است برای به دست آوردن معنایی دلچسب از آیه یا حدیثی که معنی ظاهری آن دشوار است. ۸- اثرپذیری تصویری: شاعر در این روش، تشبیه یا استعاره یا مجازی را که در آیه یا حدیثی آمده مستقیم یا غیرمستقیم می‌سراید و یا سخن خویش را بر محور و مدار آن تصویر چرخ می‌دهد و پی می‌ریزد. ۹- اثرپذیری ساختاری - سبکی: در این شیوه سخنور، ساختاری قرآنی یا حدیثی را چونان نمونه و سرمشقی پیش چشم گرفته و سخن خویش را در ساخت و بافتی می‌پردازد که با آن همخوان و همسان باشد. ۱۰- اثرپذیری شیوه‌ای: سخنور سخن خویش را بر طبق یکی از شیوه‌های بیانی - بلاغی قرآن پی می‌ریزد. ۱۱- اثرپذیری چند سویه: شیوه‌های گوناگون اثرپذیری ناسازگار و به اصطلاح مانعة‌الجمع نیستند و چه بسا پاره‌ای از آنها با یکدیگر در یک نمونه جمع می‌گردند که این گونه نمونه‌ها اثرپذیری چند سویه دارند.